

آیت‌الله محمدمهدی شب‌زنده‌دار

دبیر شورای‌عالی حوزه‌های علمیه تبیین کرد

# تحلیل قاعده

# یقین و شک ساری

# در فقه و اصول

- بزرگداشت دهه کرامت و یادکردی از مؤسس فقید حوزه علمیه قم**

اللهم صلّ علی محمد وآل محمد أعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین وصلّی الله تعالی علی سیدنا ونبینا أبی‌القاسم المصطفی محمد، اللهم صل علی محمد وآل محمد، الطیبین الطاهرین المعصومین، لا سیما بقیه‌الله فی الأرضین، ارواحنا فداء، عجل‌الله تعالی فرجه الشریف ولعنة‌الله الدائمة علی أعدائهم أجمعین.

دهه مبارک کرامت را که به‌نام دو ولی گرامی خدای متعال، حضرت امام رضاو خواهر بزرگوارشان حضرت فاطمه معصومه <sup>(علیها السلام)</sup> مزین شده است، تبریک عرض می‌کنم. همچنین، یادآور می‌شوم که این روزها مصادف است با یکصدمین سال بازتأسیس حوزه مبارکه علمیه قم که خود به‌تنهایی و صرف‌نظر از مؤسس آن، پدیده‌ای مبارک و پرفیض بوده و ان‌شاءالله همچنان خواهد بود.

اما از مؤسس آن، آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی <sup>(رحمته الله)</sup>، باید به‌عنوان الگویی بی‌نظیر برای همه علما، حوزویان، طلاب و بلکه هرکس که دل در گروی اسلام دارد، یاد کرد. آن بزرگوار با نبیتی خالص و تنها برای رضای خدا و بدون هیچ‌گونه گرایش به جاه، مقام، شهرت یا ریاست، دست به این اقدام عظیم زد.

گواهی صادق این حقیقت، امام خمینی <sup>(رحمته الله)</sup> است که فرمود: «حاج شیخ حب ریاست نداشت». او برای خدا قیام کرد و خدا نیز به او برکت داد؛ چنان‌که وعده الهی است: «ماکان لله ینمو». مرگ او نیز، همانند حیاتش، الهام‌بخش و سرفرازانه بود. تمام شخصیت آن مرد بزرگ در یک جمله خلاصه می‌شود:

او «عبدالکریم» بود؛ یعنی عبدِ کریم مطلق؛ عبد خدای متعال.

از جمله نشانه‌های روحانیت بلند او، اشعار زیبایی است که مرحوم آیت‌الله

ادامه از بالا

- شک در اصل یقین (شک ساری)**

ممکن است بعد از یقین، شک کنیم که آیا واقعاً آن چیزی که به آن یقین داشتیم، درست بوده یا صرفاً توهم یا خیال بوده است؛ مثلاً شخصی به عدالت زید یقین دارد؛ اما با گذشت زمان و شنیدن مطالب جدید، برایش شک پیش می‌آید که شاید یقین اولیه‌اش بی‌جهت بوده است. این شک، شک ساری نامیده می‌شود و به‌همان متعلق یقین، ساری و جاری می‌شود.

- شک در بقا (عدم تردید به‌درستی یقین اولیه)**

در حالت دوم، آن یقین اولیه برای شخص مورد تردید قرار نمی‌گیرد و پابرجاست؛ یعنی فرد مطمئن است که در زمان یقین، درست فهمیده است؛ اما شک می‌کند که آیا این یقین و موضوع آن هنوز باقی است یا خیر؛ مثلاً عدالت زید که درگذشته یقین داشته، درست بوده و هست، ولی فرد نمی‌داند که آیا این عدالت هنوز برقرار است یا نه؟

- شک در تداوم یقین کنونی**

حالت سوم این است که فرد هم یقین دارد و هم شک؛ ولی این شک مربوط به بقا نیست؛ یعنی احتمال می‌دهد که یقینی که اکنون دارد، ممکن است مربوط به‌همین زمان حاضر باشد و شاید این یقین فعلی تداوم نداشته باشد یا معتبر نباشد.

- ارتباط سه حالت یقین و شک با قاعده یقین یا شک ساری و استصحاب**

در کلمات فقها و اصولیون، حالت اول که در آن شک پس از یقین، ساری می‌شود، به قاعده یقین یا شک ساری معروف است؛ یعنی شک به موضوعی که قبلاً یقین داشتیم، منتقل می‌شود و بر آن تأثیر می‌گذارد.

حالت دوم، یعنی شک در بقا، همان شک تاری است که در مسأله استصحاب مطرح می‌شود. استصحاب قاعده‌ای است که در شرایط خاص و با تفاسیل و خصوصیاتِ مشخص به‌کار می‌رود و بر پایه این شک در بقا بنا شده است.

اما حالت سوم، بر اساس فرمایش شهید صدر <sup>(رحمته الله)</sup> در باب استصحاب، این‌گونه نیست که شرط اصلی استصحاب شک در بقا باشد؛ بلکه وقتی یقین به چیزی داری و در خود آن یقین، شک نمی‌کنی، یقین‌ات پابرجاست؛ اما ممکن است در مورد بقا یا عدم بقا (اینکه آیا آن چیز هنوز هست یا جدیداً ایجاد شده) مردد باشی. اینجا استصحاب تعریف می‌شود به‌معنای «ابقا یا بقی ما کان» که

متن حاضر به بررسی یکی از قواعد مهم فقهی و اصولی، یعنی «قاعده یقین و شک ساری» می‌پردازد که در بیانات آیت‌الله مهدی شب‌زنده‌دار، عضو فقهای شورای نگهبان و دبیر شورای‌عالی حوزه‌های علمیه مورد تحلیل قرار گرفته است. این قاعده به‌ویژه در مباحث استصحاب و اعتبار یقین پیشین در مواجهه با شک‌های بعدی کاربرد دارد.

آیت‌الله شب‌زنده‌دار در جایگاه سخنران دوم با استناد به روایات و آرای بزرگان فقه و اصول، سه حالت اصلی برای یقین و شک را مطرح می‌کند:

۱. شک در اصل یقین (شک ساری): زمانی که فرد پس از یقین، در صحت آن تردید می‌کند؛
۲. شک در بقا: هنگامی که یقین اولیه مورد تردید نیست؛ اما شک در استمرار آن وجود دارد؛
۳. شک در تداوم یقین کنونی: وقتی فرد در اعتبار یقین فعلی خود شک می‌کند.
این متن به بررسی حدیث مشهور «من کان علی یقین فأصابه شک فلیمض علی یقینه» می‌پردازد و دلالت آن را بر قاعده یقین یا استصحاب تحلیل می‌کند. با توجه به اختلاف‌نظرهای موجود در میان فقها، این بحث از اهمیت بالایی در حل مسائل فقهی برخوردار است. درنهایت، این نوشتار خواننده را به تأمل در مفاد و مستندات قاعده یقین دعوت می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این قاعده می‌تواند در حل بسیاری از ابهامات فقهی مؤثر باشد.

سید صدرالدین صدر <sup>(رحمته الله)</sup> پس از وفات ایشان سروده‌اند و اطراف قبر شریف‌شان حک شده است. به‌نقل از آیت‌الله حاج سید احمد زنجانی <sup>(رحمته الله)</sup> در کتاب «الکلام یجز الکلام»، پس از سرودن آن اشعار، آیت‌الله صدر در عالم رؤیا، حاج شیخ را ملاقات می‌کنند و از حال او می‌پرسند. پاسخ حاج شیخ، فرازی از همان اشعار صدر بود:

«لدى الکريم حلّ ضيفاً عبده» «بنده‌اش، میهمان کریم شد.»

- بررسی قاعده «یقین یا شک ساری» در فقه و اصول**

من به‌صورت فهرست‌وار قصد دارم، نکاتی را عرض کنم. یکی از قواعد مهم که هم در فقه و هم در اصول کاربرد دارد و محل بحث‌وبررسی است، «قاعده یقین یا شک ساری» است. این قاعده نزد برخی بزرگان مانند محقق خوانساری و محقق سبزواری <sup>(رحمتهما)</sup>، به‌ویژه در کتاب «ذخیره»، اعلام اعتبار شده است. این بزرگان با استدلال به این قاعده تمایل پیدا کردند؛ اما درنهایت این قاعده قائلان زیادی ندارد.

من دو بار فرصت یافته‌ام که نظری به این قاعده داشته باشم: بار اول در زمانی که درباره ادله استصحاب صحبت می‌کردیم؛ زیرا برخی روایاتی که برای استصحاب استدلال می‌شوند، گفته می‌شود مفاد آنها ممکن است، قاعده یقین باشد. بار دوم هم در هنگام بررسی تنبیهات استصحاب بود که خود این قاعده، مورد توجه قرار گرفت.

با تأمل و تعمق در برخی کلمات، به نظرآم د که این قاعده، قاعده‌ای قوی و مظلوم است که همچنان از حجیت آن نباید صرف‌نظر کرد.

- تحلیل سه حالت «یقین و شک ساری» در فهم ما از یقین**

برای اینکه یک تصویر ابتدایی و بدوی از موضوع داشته باشیم، وقتی ما به چیزی یقین پیدا می‌کنیم، سه حالت ممکن است پیش بیاید:

ادامه در همین صفحه

می‌رسد که متبادر از این جمله شریف همان قاعده یقین است، نه استصحاب.

- بررسی سه مقام مهم در فهم حدیث «من کان علی یقین فأصابه شک فلیمض علی یقینه» واعتبار سندان**

بحث درباره این روایت شریف سه مقام مهم دارد که باید جداگانه بررسی شوند:

۱.**مقام اول:** اثبات صدور روایت و اعتبار سند
آیا این کلام از امام علی <sup>(علیه السلام)</sup> صادر شده و حجت است؟ مشکل اصلی در این مقام، مربوط به سند حدیث است؛ به‌خصوص در نقل «خصال» که روایت توسط قاسم‌بن یحیی نقل شده است.

سند روایت به این‌صورت است: «حدثنا أبي رضي الله عنه، قال: حدثنا سعدبن عبدالله قال: حدثني محمدبن عیسی بن عبيداليقطيني عن القاسمبن یحیی عن جده الحسن بن راشد عن أبي بصير و محمدبن مسلم عن أبي عبدالله <sup>(علیه السلام)</sup>» (الخصال، ج۲، ص۶۱)

درباره وثاقت قاسم‌بن یحیی دو راه وجود دارد:

• یکی اعتبار عام کامل‌الزیارات ابن‌قولویه <sup>(رحمته الله)</sup> است که اولین حدیث باب اول آن شامل همین روایت با حضور قاسم‌بن یحیی و جدش (حسن‌بن راشد) است؛ بنابراین طبق نظر برخی بزرگان، این اعتبار عام شامل این روایت نیز می‌شود.

اما محقق خویی <sup>(رحمته الله)</sup> در کتاب استصحاب، ضعف سند را مطرح کرده است. در مقابل، در معجم رجال‌الحديث و نزد برخی دیگر از بزرگان، قاسم‌بن یحیی موثق شناخته شده؛ هرچند در اواخر عمر، محقق خویی <sup>(رحمته الله)</sup> تغییر نظر داده است.

۲.**مقام دوم:** استظهار مفهوم و دلالت حدیث
این حدیث چه مفهومی دارد؟ آیا مفاد آن به قاعده یقین نزدیک‌تر است یا به قاعده استصحاب؟ آیا شک مطرح‌شده در حدیث، درباره همان موضوع یقین است یا درباره بقاء و استمرار آن موضوع در زمان؟ این موضوع، نیازمند بحث و تبیین دقیق است.

۳.**مقام سوم:** بررسی قرائن و شواهد اقامه‌شده توسط بزرگان

برخی بزرگان تلاش کرده‌اند، قرائن و شواهدی ارائه دهند که این حدیث ظهور در استصحاب دارد یا دست‌کم ظهور اولیه‌اش کامل نیست و به استصحاب تمایل دارد. این قرائن باید مورد بررسی دقیق قرار بگیرند تا معلوم شود، آیا این حدیث

بیشتر به قاعده یقین اشاره دارد یا به استصحاب.

- بررسی وثاقت قاسم‌بن یحیی از منظر منابع روایی و آثار علمای بزرگ**

راه دیگری که برای اثبات وثاقت قاسم‌بن یحیی وجود دارد، مراجعه به کتاب زیارات من لا یحضر الفقیه شیخ صدوق <sup>(رحمته الله)</sup> است. ایشان در این کتاب، برخی زیارات را نقل کرده و می‌فرماید که در سند این روایات، «حسن‌بن راشد» حضور دارد. همچنین بیان می‌کند که از میان انواع زیارات، این زیارت را انتخاب کرده است؛ زیرا از نظر سند و طریق از اصح زیارات به‌شمار می‌آید.

محقق خویی <sup>(رحمته الله)</sup> نیز در معجم‌الرجال، این نکته را به‌عنوان مؤیدی بر وثاقت قاسم‌بن یحیی ذکر کرده است؛ البته این دلالت به‌معنی تأیید شرعی مطلق نیست؛ اما نشانه‌ای از اعتبار سند به‌شمار می‌رود.

از سوی دیگر، شیخ طوسی <sup>(رحمته الله)</sup> در کتاب رجال، قاسم‌بن یحیی را از کسانی ذکر می‌کند که «لم یرو عن الأئمه <sup>(علیهم السلام)</sup>»؛ اما در ادامه اشاره می‌کند که روایت‌هایی از او نقل شده است؛ از جمله از «احمدبن محمدبن عیسی» که شخصیتی سخت‌گیر و مورد وثوق بوده و از نقل روایات توسط کسانی که ضعیف یا مشکوک بودند، جلوگیری می‌کرد. این موضوع نشان می‌دهد که با وجود برخی تردیدها، قاسم‌بن یحیی از نظر نقل روایات، دارای جایگاه قابل‌اعتنایی بوده است؛ چراکه شخصیتی مانند احمدبن محمدبن عیسی از او روایت نقل کرده است.

بنابراین، اگر کسی به اعتبار عام کتاب کامل الزیارات اعتماد داشته باشد، می‌تواند به اعتبار روایت‌های منقول از طریق قاسم‌بن یحیی در خصال نیز اطمینان کند.

- بررسی روایت «من کان علی یقین فأصابه شک فلیمض علی یقینه»از منظر سند و دلالت**

- وضعیت سند و نقل از شیخ مفید <sup>(رحمته الله)</sup>**

شیخ مفید <sup>(رحمته الله)</sup> در کتاب ارشاد این عبارت را نقل کرده است. با توجه به اینکه شیخ مفید در عصری نزدیک به دوران ائمه <sup>(علیهم السلام)</sup> زندگی می‌کرد و در آن زمان، طرق و احوالات اشخاص و اسناد روایات نسبتاً متوفر بود، می‌توان احتمال داد که نقل‌های ایشان جنبه «محتمل الحس» داشته باشد؛ یعنی اخبار مورد توجه و دارای حجیت نسبی بوده‌اند.

ادامه در صفحه ۷

■ صفحات ۵ تا ۹